

بسمه تعالی

رهنمودهای دین در مبارزه با قاچاق کالا و ارز

نگارندگان: مرضیه ولی، الهه نوبخت^۱

چکیده

قاچاق یکی از پدیده های رایج برای اقتصاد کشور است. قاچاق کاری است که بر خلاف قانون و به طور پنهانی انجام می شود و متاعی است که معامله یا ورود آن به کشور ممنوع می باشد و در واقع قاچاق به عنوان تقلب گمرکی محسوب شده و شامل نقل و انتقال کالا بدون پرداخت عوارض گمرکی و سود بازرگانی است. در حال حاضر، مسئله قاچاق کالا و ارز و لزوم مبارزه با آن یکی از مسائل مهم اقتصاد کشور است.

با نگاهی گذرا به متون اسلامی، نشان دهنده پیوند عمیق دو سویه دین و اقتصاد بر یکدیگر است. و اصلاح امور اقتصادی در کنار دعوت به توحید از منظر قرآن کریم، از مهم ترین رسالت های پیامبران معرفی شده است.

رسالت اساسی آموزه های دینی، تبیین دانش ها و راهکارهایی برای هدایت و سعادت انسان است که دانش، اندیشه و تجربه ی بشری به تنهایی به آن بدست نمی آید، پدیده ی قاچاق نیز گرچه از عواملی است که در مباحث دینی به صورت مستقل بدان اشاره نشده است، اما از آن جا که در رابطه با مسائل اقتصادی آیات و روایات زیادی وارد شده است، با توجه به عوامل فرهنگی و اقتصادی که بر قاچاق کالا تأثیر می گذارد، می توان به رهنمودهایی در جهت مبارزه با این پدیده شوم رسید. تربیت نیروهای نوآور و مبتکر، ایجاد اشتغال و مبارزه با بیکاری، توجه به اخلاق در کار، توجه به کیفیت کالاهای تولیدی، سرمایه گذاری، مدیریت زمان و ... از جمله این رهنمودها می باشند.

واژگان کلیدی: قاچاق، کالا، ارز، رهنمود.

^۱ - مرضیه ولی، فارغ التحصیل ma.vali.1393@gmail.com
الهه نوبخت سطح^۲ p.nowbakht143@yahoo.com

طرح مسأله

در اسلام، بر کار و تلاش برای بدست آوردن روزی حلال تاکید فراوان شده و در نگاه آموزه های دینی، پاک ترین درآمدها، درآمدی است که از راه معامله و تجارت درست به دست آمده باشد. کار و تلاش جوهره ی حیات انسانی است، آبادی و آبادانی با کار و تلاش امکان پذیر بوده، زندگی انسان ها در پرتو کار و سازندگی ادامه می یابد و قوام خانواده ها با کار و تلاش میسر می شود. اجتماع با کار و تلاش زنده و پویا می گردد و رشد و ترقی هر کشوری در گرو کار و کوشش خستگی ناپذیر مردم آن جامعه می باشد.

تحرك بخشیدن، هدایت و کنترل تمایل افراد برای کار، اهمیت حیاتی در پیشرفت ملت ها دارد. کار، نقش کلیدی در توازن بخشیدن به ساختارهای اقتصادی و اجتماعی جامعه دارد و تمام پیامدهای دیگر زندگی به آن وابسته است. از این رو دوام یک نظام اجتماعی و یک تمدن، بر اساس قدرت آن در حفظ و هدایت تمایلی به کار در جهت هدف های مطلوب قرار دارد.

به رغم اینکه فرهنگ اسلامی، ایرانی برای کار ارزش والایی قایل است ولی چون متاسفانه کمتر به آن پرداخته شده، در جامعه امروز نمود چندانی پیدا نکرده است. این مساله می تواند از غلبه فرهنگ مصرف گرایی و نظام اقتصادی ناسالم که سال ها بر اقتصاد، سیاست و فرهنگ ها سایه افکنده و تبعات آن هنوز در جامعه باقی است، متأثر شده باشد.

گاهی برخی افراد نوعی خاص از کار را برابر شأن و شخصیت خویش نمی دانند و از پرداختن به آن سرباز می زنند که در نتیجه، امور زندگی اینان را دیگران اداره می کنند.

امام صادق (علیه السلام) به شخصی که گفت: فردی محروم و نیازمندم، ولی دوست ندارم با دست خود کار کنم یا به تجارت بپردازم، فرمود:

«کار کن، اگرچه باربری باشد تا از مردم بی نیاز شود» (حر عاملی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۵۰).

کار کردن و فرهنگ کار باید نهادینه شود تا بتوان بنیادهای فرهنگ کار را بنا نهاد و در جهت تقویت آن گام برداشت. فرهنگ کار به معنای پذیرش اصول، الگوها، رفتارها و قوای صنعت تولید است که باید آن را ایجاد، مراقبت و کاربردی کرد.

در شرایطی که گروه کثیری از مشاغل به واسطه تغییر در ساختار اقتصادی و اجتماعی جامعه، دارای سودهای سرشماری هستند و توزیع درآمد به ضرر دارندگان عامل تولید، کار و به نفع دارندگان عامل سرمایه تغییر می یابد، فرهنگ کار سست و متزلزل خواهد شد، زمانی که نرخ تورم بالا به صورت پایدار در اقتصاد جوامع وجود دارد و به علت عدم قابلیت مزد با شرایط دائم در حال تغییر، هزینه جبران خدمات کاری روز به روز کاهش می یابد نباید انتظار روحیه و اخلاق کاری بالا را داشت.

با شناخت آفاتی که بر مقوله ی کار مترتب است، می توان ضمن تبیین فرهنگی ناب و برگرفته از آموزه های دینی و فرهنگ ملی، به باز تعریف فرهنگ کار پویا و پاسخ گوی نیاز امروز پرداخت و بوسیله تحقق آن، به تدریج از اقتصاد پویا و سالم برخوردار شد.

قاچاق یکی از پدیده های رایج و آفت های شناخته شده برای اقتصاد کشور است. در حال حاضر، مسئله ی قاچاق کالا لزوم مبارزه با آن، یکی از مسائل مهم اقتصادی کشور است. قاچاق بنزین، قاچاق دارو، قاچاق چوب و ... از مواردی هستند که همواره اقتصاد کشور را تهدید می کنند.

آثار تخریبی قاچاق در زمینه درآمد دولت و امور اقتصادی، بهداشتی، فرهنگی و اجتماعی انکارناپذیر است.

بر این اساس، یکی از عوامل اصلی ایجاد تعادل اقتصادی در جامعه و یکی از راه های مبارزه با گران فروشی، برخورد قاطع با قاچاق سوخت و کالا خواهد بود.

در رابطه با قاچاق کالا تحقیقات و مطالعات گوناگونی انجام شده است که از حوصله این نوشتار خارج است. اما در رابطه با عنوان رهنمودهای دین در مبارزه با قاچاق کالا، با بررسی های انجام شده، پژوهشی به صورت مستقل انجام نشده است.

بیان این نکته ضرورت دارد که پدیده ی قاچاق کالا از مسائل مستحدثه در فقه و احکام ماست و از این رو در آیات و روایات که در رابطه با مسائل اقتصادی کار و تولید وارد شده، به صورت مستقیم به این امر اشاره نشده است. لذا ما در این نوشتار درصدد شدیم تا با بیان رابطه اخلاق با اقتصاد و تعیین رابطه دین و اقتصاد و عواملی که بر قاچاق کالا موثر است، با استفاده از آیات و با توجه به آموزه های دینی وارد شده در رابطه با امور تجارت و اقتصاد به بیان راهکارهایی در جهت مبارزه با این پدیده شوم در اقتصاد بپردازیم.

تعاریف قاچاق و ارز

از نظر لغوی قاچاق کاری است که بر خلاف قانون به طور پنهانی انجام شود و متاعی است که معامله یا ورود آن به کشور ممنوع باشد (معین، ۱۳۷۱، ص ۲۶۰۷).

کلمه «قاچاق» از واژه ترکی قاچماق به معنای فرار و زیرکی گرفته شده است. قاچاق در لغت به معنای ربوده، پنهانی عمل کردن، تر دستی، گریزاندن و تحظی از قوانین و مقررات متداول دولت در وارد و صادر کردن کالا می باشد.

قاچاق در اصطلاح، به عنوان تقلب گمرکی محسوب شده و شامل نقل و انتقال کالا بدون پرداخت عوارض گمرکی و پرداخت سود بازرگانی است. قاچاق می تواند شامل کالاهایی باشد که

ورود آن به کشور و معامله ی آن ممنوع بوده و برخلاف قانون به طور پنهانی از مبادی رسمی و غیر رسمی کشور، بدون پرداخت عوارض دولتی وارد و معامله می شود.

قاچاق تخلف گمرکی است و شامل جابه جای کالا به روشی مخفیانه، در طول یک مرز گمرکی و به منظور فرار از نظارت گمرکی می باشد.

ارز

ارز به ارزش، بهاء، قیمت و نرخ یا برابری پول داخلی با پولهای بیگانه تعریف شده است. در مکالمات بازرگانی اقتصادی امروز، ارز به معنی پول رایج خارجی استفاده می گردد. بدین ترتیب ارز ذاتاً به معنی پول خارجی است و اضافه کردن صفت خارجی به دنبال لغت ارز صحیح نیست و از آنجا که پول یک کشور خارجی نه فقط به صورت اسکناس بلکه به صورت مسکوک، چک بانکی، حواله، سفته، چک مسافرتی و برات نیز یافت می شود. در نظام بانکی ایران، کلیه ارزها یعنی تمام پولهای خارجی، قابل معامله یا تبدیل نیستند. بدین صورت که قسمتی از آنها قابل معامله و قسمتی غیر قابل معامله شناخته شده اند (معین، ۱۳۷۱، ص ۱۹۸).

در کتاب ترمینولوژی حقوق نیز قاچاق در معانی ذیل به کار رفته است:

الف) حمل و نقل کالا از نقطه ای به نقطه ای (خواه دو نقطه ی مزبور در داخل کشور باشد «قاچاق داخلی» خواه یک نقطه در داخل و یک نقطه در خارج باشد که آن را «قاچاق خارجی» می گویند). برخلاف مقررات مربوط به حمل و نقل به طوری که این عمل ناقص ممنوعیت یا محدودیتی باشد که قانون مقرر شده است، مثلاً صدور و ورود اجناس مجاز بدون دادن عوارض گمرکی قاچاق

عوارض گمرکی است و حمل و نقل اجناس در داخل کشور بدون دادن عوارض بلدی عنوان قاچاق عوارض بلدی را دارد، اعمال مقدماتی صدور اجناس مذکور هم به عنوان قاچاق را دارد.

ب) خرید و فروش و یا نگهداری اجناس مذکور فوق

ج) اجناس مذکور فوق که مورد فعل قاچاق قرار می گیرد نیز عنوان قاچاق را دارد و فاعل فعل

قاچاق را قاچاقچی گویند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴، ص ۶۵).

شیوع قاچاق از مشخصه های بنیادی فساد در اقتصاد است، قاچاق کالا بخشی از اقتصاد

کشورهاست که با هدف سودآوری رسمی کشورها ثبت نمی شود و بر این اساس وجود آن موجب

پنهان ماندن بخشی از عملکرد اقتصادی کشور است. در قاچاق، قوانین و مقررات جاری نقض می

شود.

بر این اساس، قانونگذار مرتکبان آن را مستحق مجازات می داند. هرگونه فرار از نظارت گمرکی

یا انجام فعالیت های ناقض قوانین خاص محدود کننده، قاچاق محسوب می شود.

از نظر ماهوی قاچاق به دو شکل انجام می گیرد. در شکل نخست، عوامل تجارت غیر قانونی،

کالاهایی را به طور غیر رسمی و مخفیانه بدون پرداخت عوارض گمرکی و رعایت ضوابط تجاری

وارد کشور نموده و از آن خارج می نمایند. در شکل دوم، امکان دارد عوامل تجارت قانونی، فعالیت

تجاری قانونی خود را پوششی برای انجام اعمال متقابلانه قرار دهند و با دست کاری در اسناد تجاری

به قاچاق پردازند. به این حالت، شبه قاچاق گفته می شود.

قانون مجازات اسلامی ایران، قاچاق را جرمی مشمول تعزیرات حکومتی می داند. در قوانین

واردات و صادرات ایران، قاچاق کالا عبارت است از ورود و خروج کالاهای موضوع درآمد دولت

(مجاز یا مشروط)، بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی و همراه با عدم رعایت ضوابط کالاهای

ممنوع در قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران. طبق قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی در خصوص قاچاق کالا و ارز، این گونه اعمال جرم محسوب شده و برای آن مجازات تعیین شده است.

رابطه ی دین و اقتصاد

«نگاهی گذرا به متون اسلامی، نشانگر پیوند عمیق و تأثیر دوسویه ی دین و اقتصاد، بر یکدیگر است. قرآن کریم اصلاح امور اقتصادی جامعه را در کنار دعوت به توحید، از مهمترین رسالت های پیامبران معرفی می کند، چنان که تلاش حضرت شعیب (علیه السلام) را برای اصلاح امور اقتصادی یاد می آورد که به قومش می فرمود:

(یا قومِ اَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ آلِهَ غَيْرِهِ وَ لَا تَقْصُوا الْمَكْيَالَ وَالْمِيزَانَ). (سوره هود/ ۸۴) ای قوم من، خدا را بپرستید، برای شما جز او معبودی نیست، و پیمانۀ و ترازو را کم مکنید».

قرآن کریم دخالت مستقیم برخی از پیامبران در برنامه ریزی و اصلاح امور اقتصادی جامعه را بیان داشته (سوره یوسف، ۴۷-۴۹ و ۵۴-۵۶) و در خود، آیات فراوانی را گنجانده که درباره اهمیت و اصلاح امور اقتصادی نازل شده و گاه جزئیات آن را به تفصیل یاد کرده است. (رجوع کنید به بقره آیه ۲۸۲ و آیه های ۱۸۸ و ۲۷۵ و ۲۸ و ۲۸۳، نساء آیه های ۵ و ۲۹۶).

در اسلام، از یک سو رفتارهای اقتصادی مشروع، به عنوان عبادت تلقی شده است، (حرعاملی، ۱۴۰۱، ج ۱۲، صص ۲-۱۳). و از سوی دیگر انجام وظایف دینی و عبادات وابسته به امور اقتصادی بوده و گاه آمیختگی و پیوند معناداری با فعالیت های اقتصادی دارد. (همان، ج ۸، ص ۹) که خود بیانگر پیوند ناگستنی دین و اقتصاد و تأثیر متقابل آن دو به یکدیگر است.

به طور کلی آموزه های اقتصادی اسلام را می توان به سه دسته تقسیم نمود:

۱- آموزه هایی که بیانگر فلسفه اقتصاد اسلامی و مسائل مربوط به جهان بینی اسلام است و زیر بنا و تکیه گاه فکری مکتب و نظام اقتصادی اسلام می باشد، مانند اعتقاد به خدا و مالکیت حقیقی او، حاکمیت سنت های الهی، کافی نبودن عقل در تشخیص مصالح و مفسد و مانند آن.^۲

۲- قواعدی اساسی و خطوطی کلی برای حل مشکلات و نیل به اهداف اقتصادی که حاکم بر برنامه ریزی ها و سیاست گذاری های بخش اقتصاد است و از آن به عنوان «مکتب اقتصادی» یاد می شود، همانند «مالکیت مختلط» «آزادی در کادر محدود»، «لزوم دخالت دولت»، «توزیع ثروت به نفع محرومان و مانند آن».^۳

۳- احکام حقوقی و اخلاقی لازم برای تنظیم روابط اقتصادی، و الگوی رفتاری مناسب که نظام هماهنگ و منسجمی برای رسیدن به وضعیت اقتصادی مطلوب، به دست می دهد. به نظر می رسد این نوع آموزه ها، جایگاه بسیار مهمی در ابعاد اقتصادی و تربیتی دارد و اسلام برای تأمین، سعادت مادی و معنوی انسان، بهترین شیوه ها و راهکارها را در قالب این آموزه ها ارائه کرده است. (ایروانی، ۱۳۸۴، ص ۳۰).

چگونگی ارتباط ارزش ها با رشد اقتصادی

بی گمان هدف ارزش های اعتقادی و اخلاقی در گام نخست، بازسازی و تکامل روحی انسان و تهذیب نفس است. به طور کلی، رسالت اساسی آموزه های دینی، تبیین دانش ها و راهکارهایی برای هدایت و سعادت انسان است که دانش، اندیشه و تجربه ی بشری به تنهایی به آن دست نمی یابد، با این حال، ارزش های مبتنی بر جهان بینی دینی که در اثر آمیختگی با اندیشه های نادرست بشری،

^۲ - در این باره، به کتاب های زیر مراجعه شود. عبدالله طریقی، الاقتصاد الاسلامی، اسس، مبادی و اهداف، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانى اقتصاد اسلامى، حسین میر مغزی، نظام اقتصاد اسلام.

^۳ - برای آگاهی از این اصطلاحات اقتصادی نک: محمد باقر، صدر، اقتصادنا؛ صص ۲۹۳-۷۷۳.

دستخوش انحراف و تحریف نشده باشد، تأثیر تعیین کننده ای بر پیشرفت اقتصادی جوامع دارد. (نظریور، صص ۱۸۰-۱۸۴، به نقل از ایروانی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۸).

اعتقاد به تأثیرات معنویات در اقتصاد، هرگز به معنای نفی یا تضعیف نقش اسباب مادی نیست، بلکه مقصود این است که در کنار عناصر مادی، همچون سرمایه، تکنولوژی و نیروی کار ماهر، عوامل معنوی مانند اعتقادات دینی صحیح و اخلاق و اعمال نیک نیز، در رشد اقتصادی موثر است. چنین باوری که عناصر معنوی مانند را مبادی رشد اقتصادی می داند، بی تردید از منظر مکاتب اقتصادی معاصر به دیده شگفتی و انکار نگریسته می شود و این پرسش را در اذهان بر می انگیزد که چه ارتباطی بین این عناصر و رشد اقتصادی هست.

به طور کلی، تأثیر باورها و رفتارهای ارزشی و ضدارزشی بر رشد و رکود اقتصادی و جلوگیری از فساد به سه گونه بررسی می شود:

الف) تأثیرات غیبی

«جهان بینی اسلامی، همه ی پدیده ها، به علّه العلل و هستی بخش حقیقی یعنی خداوند متعال، بازمی گردد. اوست که به واسطه ی اسباب تمام پدیده ها را ایجاد و امور جهان را تدبیر می کند. اما اسباب، منحصر به اسباب مادی و طبیعی نیست، بلکه عواملی معنوی نیز در ایجاد پدیده ها تأثیر دارد که از قلمرو مشاهده، اندیشه و دانش بشری خارج است و با تحمیل ها و اسباب و علل مادی صرف، تفسیر شدنی نیست. این روابط ناشناخته، تنها در چارچوب جهان بینی الهی و با کمک آموزه های وحیانی کشف و اثبات می گردد.»

بنابراین، از کسانی که طرح ها و تحلیل های اقتصادی خود را از جهان بینی مادی و مرجعیت فکری ارزشی آن می گیرند، نمی توان انتظار داشت تأثیر ارزش های معنوی بر اقتصاد را باور کنند» (ایروانی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۹).

علامه طباطبایی می گوید:

«طبق آیات فراوان، (سوره روم، آیه ۴۱؛ اعراف، آیه ۹۶؛ رعد، آیه ۱۱؛ شوری، آیه ۳۰) میان اعمال انسان و نظام تکوین، رابطه‌ی مخصوصی وجود دارد، به گونه‌ای که هرگاه جامعه‌ی بشری در اعتقاد و عمل، بر اساس مقتضیات فطری خود رفتار نماید، خیرات به او می‌رسد. درهای برکات به رویش گشوده می‌گردد و اگر فساد نماید، آنان را به تباهی خواهد کشاند» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۵۹، همان ج ۲، صص ۱۸۴-۱۸۵، ج ۸، صص ۲۰۰-۲۰۳).

با این که بخش عمده‌ی این پیوندها را در می‌یابیم، بخشی از آن، از حیطة‌ی درک و دانش بشری خارج می‌باشد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۹، ص ۱۲۳).

در نیافتن تأثیر باورها و رفتارها بر رشد اقتصادی با تحلیل‌های رایج، هرگز دلیل بر عدم تأثیر آن نخواهد بود و انکار آن، با معیارهای علمی سازگار نیست.

ب) تأثیرات مستقیم

ارتباط بسیاری از باورها، اخلاق و رفتارها به رشد و رکود اقتصادی امری نیست که به دشواری دریافت شود؛ تأثیر ارزش‌هایی همچون احساس مسئولیت و وجدان کاری، نظم، صبر و استقامت، مانند آن به رشد اقتصادی و نیز نقش مؤثر آلودگی‌های اخلاقی و رفتاری همانند ظلم، هواپرستی و تن‌پروری، احتکار، ربا، دزدی و خیانت در رکود اقتصادی و عقب ماندگی به روشنی قابل درک و اثبات است.

ج) تأثیرات غیر مستقیم

پاره‌ای از ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها، هرچند به ظاهر، تأثیر مستقیمی بر فعالیت‌های اقتصادی ندارد، در واقع، زمینه رشد یا رکود اقتصادی را فراهم می‌نماید و به گونه‌ی غیر مستقیم، بر آن تأثیر

می نهد، برای نمونه احیای فرهنگ ارزشمند انفاق در جامعه، به توزیع عادلانه ی ثروت در جامعه کمک می کند.

بر پایه ی بررسی های انجام شده در بسیاری از کشورهای رشد یافته، تعدیل و توزیع ثروت، تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد، از این رو، حتی در جوامع سرمایه داری، با توسعه ی نظام های تامین اجتماعی، به نیازهای محرومان توجه شده است، با اینکه مکتب، در آغاز، تامین این گونه نیازها را از ضروریات رشد اقتصادی نمی دانست (نمازی، ۱۳۷۴، صص ۸۲-۸۱).

به طور کلی، ارتباط با خداوند و گرایش به معنویات، نهادینه شدن فضیلت های اخلاقی در جامعه و پرهیز از خصلت های اخلاقی در جامعه و پرهیز از خصلت های ناشایست، عناصری است که در کنار تأمین آرامش روحی افراد، موجب تقویت همگرایی اجتماعی، و ایجاد فضای مناسب در تثبیت امنیت و عدالت می شود. این فضا، بستر مناسبی را برای رشد و شکوفایی اقتصادی فراهم می سازد. (مطهری، ۱۳۶۹، ج ۱، صص ۴۰۵-۴۱۴).

عوامل موثر بر قاچاق کالا

در دسته بندی کلی عوامل به وجود آورنده ی قاچاق، به سه دسته عوامل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی - اجتماعی بر می خوریم.

عمده ترین دلایل اقتصادی قاچاق را می توان چنین بر شمرد:

اشتغال و بیکاری: بیکاری علاوه بر اینکه قطع درآمد بیکاران را به دنبال دارد، تبعات اجتماعی نیز دارد و می تواند عامل تقویت یا منشا فساد اجتماعی بزرگ باشد. بیکاری در خوش بینانه ترین حالت منجر به بروز واسطه گری و قاچاق خواهد شد. وضع معیشت و نرخ بالای بیکاری در برخی از نقاط کشور، ناگزیر زمینه را برای فعالیت های غیر قانونی و قاچاق فراهم می کند.

(بهرامی، قاسمی، ۱۳۸۵، صص ۶۹)

در واقع، کاهش اشتغال در اقتصاد رسمی، باعث افزایش نرخ اشتغال در اقتصاد غیر رسمی و قاچاق می شود. از این رو، می توان اذعان داشت نرخ بیکاری در اقتصاد رابطه مستقیمی با قاچاق دارد. (همان)

گریز از پرداخت مالیات را نیز می توان یکی از عمده ترین عوامل قاچاق کالا برای فرار از حقوق و عوارض گمرکی دانست. متأسفانه در بیشتر اقشار جامعه، تقدم منافع شخصی بر منافع اجتماعی، به یک فرهنگ تبدیل شده است.

توزیع ناعادلانه درآمدها در بین اقشار مختلف جامعه را نیز می توان دلیلی بر روی آوردن به قاچاق دانست. در تولید کالاهای با کیفیت توسط تولید کننده بی رقیب داخلی مصرف کننده در فرآیند خرید کالای مورد نیاز خود به ناچار به سمت کالاهای خارجی با قیمت پایین تر گرایش می یابد. (بنایی، ۱۳۸۱ص ۱۳۶).

از عوامل فرهنگی و اجتماعی قاچاق نیز می توان به الگوی رایج مصرف ملی که مبتنی بر تجمل گرایی و مصرف گرایی و رواج اشرافی گری در جامعه و ترجیح کالاهای خارجی است، اشاره داشت. (همان).

باید گفت که عواملی که در قاچاق کالا مؤثر است، بسیار زیاد است که ما در اینجا به جهت طولانی شدن بحث از بیان آن ها خودداری می نماییم و بر اساس همین عوامل فوق الذکر، رهنمودهایی که در متون دینی، برای از بین بردن این پدیده بیان شده، می پردازیم.

رهنمودهای دین در مبارزه با قاچاق

اشتغال زایی و استفاده درست از امکانات

منابع طبیعی و مواد اولیه تولید، محدود است و نیازها و خواسته های بشر، نامحدود. بسیاری از منابع طبیعی دست کم در کوتاه مدت، تجدید ناپذیرند. از سوی دیگر بیکاری، گریبانگیر بسیاری از

کشورهای جهان گردیده و به صورت مشکلی جهانی در آمده است (قره باغیان، ۱۳۷۶، صص ۴۵-۴۶). بی تردید، بهره گیری از حداقل امکانات جامعه در تولید و اشتغال زایی، می تواند گامی موثر در راه مقابله با این مشکلات باشد.

در آموزه های دینی، راهکارهای مؤثری در این باره ارائه شده است، به گونه ای که از یک سو، بر ضرورت بهره گیری از حداقل امکانات تولیدی و منابع طبیعی، تاکید شده است.

امیر مومنان حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند:

«من وجداً ماءً و تراباً ثم افتقر فأبعده الله؛

از رحمت خدا به دور باد هر کس که آب و خاکی بیابد ولی فقیر بماند» (حرعاملی، ۱۴۰۱، ج

۱۲، ص ۲۴).

آب و خاک به عنوان مصداق بارز منابع طبیعی، نماد امکانات تولید است که بر بهره گیری از حداقل آن برای ایجاد اشتغال و فقرزدایی، تأکید شده است.

از سوی دیگر، بر اساس آموزه های دینی، نباید به فعالیت اقتصادی، به دلیل درآمد کم آن در آغاز کار، بی توجهی شود. بیشتر مشاغل و فعالیت های تولیدی تا رسیدن به مرحله سوددهی و برخورداری از توجیه اقتصادی، نیازمند پشتکار، تحمل، و سرمایه گذاری و هزینه بری است. دلسردی در کار، مانع سامان یافتن و به نتیجه رسیدن آن خواهد بود. از این رو، بر استفاده از فرصت ها برای رسیدن به پیشرفت مطلوب، تاکید می شود.

برای نمونه به چندین روایت در این باره اشاره می کنیم:

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«من طلب قليل الرزق كان ذلك داعيه الى اجتناب كثير من الرزق؛

هر که در پی درآمد اندک برآید، سبب دستیابی به درآمد فراوان را فراهم ساخته است». (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۱۱).

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و السلم) می فرمایند:

«إِذَا سَبَّبَ اللَّهُ تَعَالَى لِأَحَدِكُمْ رِزْقًا مِنْ وَجْهِ فَلَا يَدْعُهُ حَتَّى يَتَغَيَّرَ لَهُ؛

هرگاه خداوند متعال، سبب روزی یکی از شما را از راهی فراهم ساخت، نباید آن را رها سازد

مگر آن که خود تغییر نماید» (سیوطی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۱۰۳).

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«إِذَا رَزَقْتَ فِي شَيْءٍ فَالْزِمَهُ؛

کسب درآمدی پیدا کردی، بر آن مداومت نما» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۱۶۸).

افزون بر این، در بینش اسلامی، اسراف و تبذیر، به هر شکل و اندازه، ممنوع است و تردیدی

نیست که هدر دادن منابع طبیعی، سرمایه های ملی و مواد اولیه و از آن مهمتر، از دست دادن فرصت

ها و نیروی کار، از بارزترین مصادیق اسراف و تبذیر می باشد.

این گونه آموزه ها، تاکیدی است بر استفاده درست از امکانات تولیدی و نیروی کار در جامعه که

توجه به آن و برنامه ریزی بر اساس آن، نقش موثری در رشد تولید و کاهش هزینه های تولید و ایجاد

فرصت های شغلی و جلوگیری از شغل های کاذب و قاچاق کالا و غیره می باشد.

تربیت نیروهای نوآور و مبتکر و تولید

تولید فعالیتی است که با به کارگیری و سازماندهی سلسله عوامل و نهاده هایی همچون کار،

سرمایه و منابع طبیعی، به ایجاد کالا و خدمات می انجامد (مجتبوی نائینی، ۱۳۷۲، ص ۱۱۸). «این

محصولات تولید شده، اعم از کالا (محصولات فیزیکی و خدمات محصولات غیر فیزیکی) می باشد».

(ایروانی، ۱۳۸۴، ص ۵۹).

مجموعه عناصری که باعث ایجاد کالا و خدمات می شود، به عوامل، منابع و نهاده های تولید، نامبردار است که منابع طبیعی، سرمایه، تکنولوژی، نیروی کار و مدیریت را در بر می گیرد. (دادگر، رحمانی، ۱۳۸۰، ص ۶۰). بنابراین، کار و مدیریت، دو تلاش جسمی و فکری بشری است که در فرآیند تولید نقش دارد، و از آن به عنوان منابع انسانی یاد می شود.

امروزه، نظریه پردازان اقتصاد و توسعه، بر این باورند که از میان سرمایه های فیزیکی، تکنولوژی و انسانی، آنچه بیش از همه در مسیر تحولات تمدن بشری، مهم و مؤثر است، متغیر کلان سرمایه ی انسانی و بهره وری درست از آن می باشد و منابع انسانی، پایه ی اصلی ثروت ملت ها را تشکیل می دهد (تودارو، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۴۷۳).

برای اینکه فرصت مناسب برای افراد جامعه در تولید و توسعه و بروز خلاقیت و نوآوری فراهم گردد باید موانع پیش روی آنان (توزیع ناعادلانه ثروت، فقر...) برداشته شود، در غیر این صورت افراد به سمت فعالیتهایی پیش می روند که اقتصاد جامعه را دچار رکود و ضرر می کند. یکی از اقتصاد دانان در این زمینه چنین بیان می نماید:

«این که مستعدترین افراد جامعه چه فعالیتی را انتخاب کنند، اثر بسیار مهمی بر تخصیص سایر منابع جامعه دارد. وقتی افراد با استعداد به نوآوری مولد بپردازند، توان آن ها صرف بهبودی تکنولوژی و افزایش کارایی و انتخاب روش های کارآمدتر می شود و در نتیجه، بهره وری فعالیت های اقتصادی افزایش یافته و درآمد جامعه بالا می رود. برعکس، زمانی که این افراد به دنبال کسب رانت باشند، درآمد آن ها از محل توزیع مجدد ثروت از دیگران تأمین شده و آنها مشارکتی در تولید ندارند. در چنین شرایطی، استعدادهای جامعه به کار مولد و بهبودی تکنولوژی نپرداخته و اقتصاد دچار رکود و عدم تحرک میگردد (خلیلیان، ۱۳۹۰، ص ۱۸۴).

اخلاق کار و تولید

یکی از عوامل مهم زیربنایی در تحولات صنعتی و اقتصادی، تغییر خصلت اخلاقی و فرهنگی و وجود تصورات عمومی درست از مفاهیم اساسی توسعه، اقتصادی، همچون «کار» و «زمان» است (معیدفر، ۱۳۷۷، ص ۱).

آموزه های اسلام، بیش از هر مکتب و اندیشه دیگری، به ارزش و اخلاق کار، اهتمام ورزیده و با ارائه صحیح و نهادینه ساختن آن در فرهنگ عمومی که خود نیازمند تحقیقاتی ژرف و عالمانه می باشد، تحولات ژرفی را در اعتلا و تکامل اخلاق کار در جامعه، پدید آورده است. از این رو شایسته است به بررسی ارزش و اخلاق کار و تولید از دیدگاه قرآن و روایات و نیز نقش ارزش ها که در رشد و رکود اقتصاد و جلوگیری از مفاسد اقتصادی مؤثر است، پردازیم.

در آغاز به بیان مفهوم کار و اخلاق می پردازیم:

مفهوم کار:

فرهنگ نویسان فارسی، کار را چنین تعریف کرده اند:

«آنچه از شخص یا چیزی صادی گردد و آنچه شخص، خود را بدان مشغول سازد». (عمید،).
در حوزه اقتصاد نیز برای کار تعاریف گوناگونی شده است. (کیدنز، ۱۳۷۳، ص ۵۱۷، توسلی، ص ۸-۱۲، معیدفر، ۱۳۸۰، ص ۳، مجتبی نائینی، ۱۳۷۲، ص ۲۶۸-۲۷۰).

از میان آن، تعریف زیر از جامعیت بیشتری برخوردار است:

«کار مجموعه اعمالی است که به کمک مغز، دست، ابزارها و ماشین ها، در راه تولید ثروت یا ایجاد خدمات، انجام می دهد و این اعمال نیز متقابلاً بر انسان تأثیر می گذارد و او را تغییر می دهد». (توسلی، ۱۳۶۶، ص ۱۰).

در فرهنگ قرآن، واژه ای که برای کار اقتصادی استفاده شده، «استاجر» است. (قصص، آیه ۲۶).

مفهوم اخلاق کار

اخلاق کار، بخشی از فرهنگ جامعه به شمار می رود که عقاید و ارزش های مربوط به کار را در بر کمی گیرد و از قواعد کلی حاکم بر فرهنگ جامعه، پیروی می کند. (معیدفر، ۱۳۸۰، ص ۶).
در تعریف آن گفته شده است:

«قواعد و زمینه های برانگیزاننده و فعال شده، تعهد ذهنی، روانی و فیزیکی فرد یا گروه می باشد که به نحو کلی به انرژی متعهد فرد یا گروه جهت می دهد و قابل انتقال و آموزش و یادگیری در نظام اجتماعی و فرهنگی جامعه است.» (معیدفر، ۱۳۷۷، صص ۱۸-۱۱۹).
مراد ما از اخلاق کار همان رعایت ارزش های دینی است که تمام آداب و ارزش های بازگو شده در متون دینی در عرصه کار و تولید را در بر می گیرد.

کار و تولید از دیدگاه قرآن

فعالیت تولیدی، عنصر اساسی در کسب درآمد است. قرآن کریم در آیات فراوان، با یادآوری این که خداوند، منابع و امکانات جهان را برای انسان ها آفریده و آن را رام ایشان ساخته است، با تأکید بر تصرف در عوامل تولید، آدم را به آباد کردن زمین و برطرف کردن نیازهای معیشتی خود، تشویق فرموده و به گونه های مختلف اهمیت آن را نمایان ساخته است.

آماده کردن زمینه ی یک فعالیت اقتصادی، بیانگر مطلوبیت آن است، از این رو، آیاتی که به فراهم سازی زمینه های تولید اشاره دارد، به مطلوبیت تولید و ترغیب آن اشاره دارد، برای نمونه خداوند در سوره اعراف می فرماید (و لقد مکناکم فی الارض و جعلنا لکم فیها معایش قلیلا ما تشکرون). (اعراف، آیه ۷).

واژه «تمکین» در این آیه به معنای در اختیار گذاردن ابزار و وسایل کار و توانایی دادن است.

(مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۶، ص ۹۵).

«معایش» نیز جمع «معیشت» به معنی وسایل و نیازمندی های زندگی است (راغب، اصفهانی،

۱۴۱۶، ص ۵۹۶).

بدین سان، خداوند هرگونه عوامل تولید را در اختیار بشر نهاده و به او قدرت تصرف در آن را

ارزانی داشته است تا به تولید و خواسته هایش همت گمارد (حجر، آیه ۲۰، احقاف، آیه ۲۶، ابراهیم،

آیه ۳۲ و ۳۳).

دسته ای از آیات، با واژه «کُلُوا» به تصرف در منابع زمین و استفاده از آن فرمان می دهد. مراد از

«اکل» در این آیات، هرگونه تصرف و بهره برداری است (راغب، اصفهانی، ۱۳۱۶، ص ۸۰، طباطبایی،

ج ۱، ص ۴۱۷).

صیغه امر، گوااین که در این مورد مفید اباحه است (طبرسی، ۱۴۰۶، ج ۱-۲، ص ۴۵۹-۴۶۵).

در حقیقت، نشانگر مطلوبیت این کار از نظر شارع و نکوهش تحریم اقتصادی یا عملی آن می

باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۳۶).

از سوی دیگر، کالاهای مصرف شدنی، بیشتر به صورت عوامل تولید در اختیار بشر قرار می

گیرد و برای نهایی شدن، نیازمند فعالیت تولیدی است، بنابراین، سفارش به تصرف، در واقع تشویق به

تولید و کار نیز به شمار می رود.

از این رو قرآن کریم، پس از بیان عوامل و امکانات تولیدی، امر به «اکل و تصرف» فرموده است:

«هو الذی جعل لكم الارض ذلولا فامشوا فی مناكبها و کلوا من رزقه و الیه النشور». (ملک، ۱۵).

افزون بر این مجموعه ای از آیات به مشاغل تولیدی خاص اشاره شده است. فعالیت های مانند

کشاورزی (انعام، ۱۴۱، یوسف، ۴۷، یس، ۳۵)، دامپروری (طه، ۵۴)، صیادی (نحل، ۱۴، کهف، ۷۹،

انبیاء، ۸۲)، صنعت (انبیاء، ۸۰، سبأ، ۱۱ و ۱۳)، معماری (سبأ، ۱۳)، کشتیرانی (فاطر، ۱۲، جاثیه، ۱۲)،

مسکن و شهرسازی (یونس، ۸۷)، ذوب فلزات (سبأ، ۱۲).

کار و تولید در سنت

روایت هایی که دیدگاه اسلام را درباره کار و تولید روشن داشته است، از تنوع و گستردگی و ویژه ای برخوردار است که چند نمونه از آن ارائه می شود:

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و السلم) می فرماید:

«ما من مسلم یعرس عرساً او یزرع زرعاً، فیاکل منه إنسان أو ملیداً و بهینه إلا کانت له به صدقه».

(نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص ۴۶۰). هر مسلمانی که درختی بشاند یا زراعتی کشت نماید و انسان یا پرنده ای یا چهارپایی از آن استفاده کند، برایش صدقه دارد.

باید گفت که فعالیت های کشاورزی و دامداری و مانند آن در عصر حاضر، نیازمند ادوات و ماشین های صنعتی است و بدین سان، تشویق به این گونه کارها، ترغیب به تولید وسایل مورد نیاز آن را نیز به دنبال دارد.

همچنین روایاتی که به اثرات اقتصادی کار و تولید می پردازند و بارزترین اثر کار را اثر اقتصادی می دانند، چرا که نقش تعیین کننده کار در رشد و توسعه اقتصادی و فقرزدایی، بر کسی پوشیده نیست. بیکاری و کم کاری، افزون بر آثار فردی، منفی همچون فقر و کاهش درآمد، پیامدهای ناگواری بر اقتصاد ملی بر جای می گذارد. کاهش تولید، کاهش تقاضا و حاکمیت نوعی کساد در نتیجه کاهش درآمد افراد بیکار و در پایان رکور فعالیت های اقتصادی و کاهش سرمایه گذاری برای دوره های بعد و شیوع قاچاق کالا و مواد مخدر در جامعه از این پیامدهاست.

امیرالمومنان (علیه السلام) در بیان تشبیه گونه، بیان می کنند:

«إن الاشیا لما ازدوجت ازدواج الكسل و العجز، فتتجا بینهما الفقر».(کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۸۶).

آن گاه که اشیاء و به هم درآمیزد، تنبلی و ناتوانی به هم درآید، و از آن دو، فقر زاده شود.

دسته ای از روایات به تشویق عملی به کار و تولید می پردازند، فعالیت های تولیدی در سیره ی اولیای دین، بسیار گسترده و چشمگیر است. بسیاری از کارهای تولید و یاد شده در قرآن، به دست پیامبران انجام شده است.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و السلم) و پیش و پس از بعثت به کارهای اقتصادی اشتغال می ورزید (هندی، ۱۰۴۹، ج ۱۲، ص ۴۵۲، ج ۱۴، ص ۱۸۳).

امیر مومنان (علیه السلام) آن گاه که از امر جهاد، آموزش مردم و قضاوت، آسوده می گشت، به طور گسترده، به کشاورزی، باغداری و کندن قنوات می پرداخت. (محلّبی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳، ص ۱۶) و جامعه اسلامی سالیان متمادی از ثمرات آن بهره می برد.

بنابراین در نظام ارزشگذاری اسلام، کار و تولید، نه امری تنها مادی و ضد ارزش که عبادتی بزرگ و دارای جایگاه معنوی بسیار بالایی است، کار و تلاش با اخلاق و دینداری، رابطه ای دوسویه دارد. کار و تلاش بستر مناسبی برای رشد و فضیلت های اخلاقی و رفتار دینی است، و بیکاری افزون بر رکود اقتصادی آثار مخربّی نیز به جسم و جان و اخلاق آدمی دارد که زمینه ی بروز مفسد اخلاقی و اجتماعی، و سلب نشاط و شادابی زندگی را فراهم می سازد.

قچاق کالا در قالب های مختلفش عامل رکود و فساد اقتصادی است و کار و تولید اخلاق مدارانه همواره می تواند سد مستحکمی در برابر آن باشد. لذا توجه به اشتغال و تولید مفید همواره باید از سوی مردم و مسئولین مورد توجه و تاکید قرار بگیرد.

توجه به کیفیت

از جمله اموری که در تمام کارها از جمله فعالیت های اقتصادی بر آن تاکید فراوانی شده است، استواری و استحکام و توجه به کیفیت کار است. رسول گرامی خدا (صلی الله علیه و آله و السلم) به استواری در هر کاری سفارش نموده و فرموده اند:

«إذا عمل احدكم عملاً فليتقن؛»

هرگاه یکی از شما، کاری انجام دهد، باید که (آن را) استوار سازد» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص

۲۶۲).

آن حضرت در گفتاری دیگر، استحکام کاری را محبوب خداوند شناخته اند:

«...لكن الله يحبُّ عبداً إذا عمل عملاً احكمه؛»

... خداوند بنده ای را دوست می دارد که هرگاه عملی را انجام می دهد، آن را مستحکم نماید»

(قمی، (شیخ صدوق)، ۱۳۶۲، ص ۳۸۵).

هرگاه مرکزی تولید یا به طور کلی جامعه ای - به کیفیت بالای محصولات خود شناخته شود، با

جذب مشتری و در اختیار گرفتن بازار مصرف و نیز افزایش سطح تولید و در نتیجه کاهش هزینه ها،

باعث رونق و رشد اقتصادی و تمایل مردم به مصرف کالای داخلی می گردد. این مهم، برای جامعه

ی اسلامی، افزون بر آثار مثبت اقتصادی، ارزشی دینی و اخلاقی به شمار می رود که رعایت آن

رضایت الهی و سود اخروی را نیز دربردارد.

نظم و انضباط و مدیریت زمان

نظم و انضباط و مدیریت زمان، از مهمترین عوامل بهره برداری درست از سرمایه ی ارزشمند

عمر، و استفاده مطلوب از فرصت ها در مسیر پیشرفت و تکامل است. در اهمیت آن از نگاه دینی،

همین بس که امیر مومنان (علیه السلام) در آخرین وصیت خویش، فرزندان خود و همه ی انسان ها

را، مخاطب خویش ساخته و آنان را به نظم فرا می خواند:

«أوصیکما.... و من بلغه کتابی، ب.... نظم أمرکم....»

شما ... و هر کس را که نامه ی من بدو رسد، به ... نظم در کارتان سفارش می کنم».

به نظم و انضباط در فعالیت اقتصادی نیز در ابعاد گوناگون، توجه ویژه ای شده است به گونه ای که در بیان عوامل قاچاق کالا، می توان به عدم برنامه ریزی مناسب و مدیریت زمان اشاره داشت. در این بحث به بیان مهمترین شاخصه های نظم و انضباط که دین بدان توجه ویژه داشته و کاربرد این شاخصه ها باعث پیشرفت و موفقیت در امور اقتصادی می گردد، اشاره ای خواهیم داشت:

الف) تقسیم وقت

با تامل در آیات و روایات، می توان گفت، دوگونه تقسیم وقت برای کار وجود دارد. نخست: تقسیم تکوینی که در نظام آفرینش برای موجودات مشخص شده است. در این تقسیم، روز و روشنایی آن برای حرکت و تکاپو، و شب و تاریکی آن برای آرامش و خواب تنظیم شده است:

«و من رَحْمته جعل لكم، قصص، ۷۳».

«در این تقسیم تکوینی، در صورت نیاز و به اقتضای کار، تغییر یافتنی است».(ایروانی، ۱۳۸۴، ص ۹۲)، چنانکه امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«ربما احتاج الناس إلى العمل بالليل، لضيق الوقت عليهم في تقصّي الاعمال بالنهار، أو لشدّة الحرّ و إفراطه؛

چه بسا مردم، به دلیل کمبود وقت برای انجام کارها در روز یا به جهت شدت گرما، نیازمند کار در شب باشند». (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۱۱۳).

دوم: تقسیم تشریحی که در آموزه های دینی، بر اساس مصالح جسمی و روحی انسان سفارش شده است، چنان که امام کاظم علیه السلام می فرمایند:

«اجتهدوا فی أن یکون زمانکم اربع ساعات، ساعه المناجاة الله، ساعه لأمر المعاش، و ساعه لمعاشره الاخوان.. و ساعه تظون فیها للذاتکم فی غیر محرّم...؛

تلاش کنید تا زمان خود را چهار بخش کنید: زمانی برای نیایش با خدا، زمانی برای تامین زندگی، فرصتی برای دیدار با برادران دینی و زمانی برای بهره گیری از لذت های حلال...» (ابن شبعه حرانی، ۱۳۹۸ق، ص ۴۲۳).

ب) تقسیم کار

«انسان ها دارای استعدادها و توانمندی های گوناگونی اند که هر یک می تواند بخشی از نیازهای جامعه را تأمین کند و در برابر، از خدمات دیگران بهره ببرد و بدین سان، نظام زندگی و اجتماعی آنان، سامان یابد». (ایروانی، ۱۳۸۴، ص ۹۲).

قرآن کریم این تقسیم طبیعی کار و استخدام متقابل را اینگونه بیان نموده است:

«.... نحن قسمنا بينهم معيشتهم في الحياة الدنيا و رفعنا بعضهم فوق بعض درجات ليتخذ بعضهم بعضاً سخرياً» (زخرف، ۳۲).

«این تقسیم هرگاه به درستی اجرا شود و هرکس در حیطه ی تخصص خود به کار و فعالیت پردازد، موجب افزایش بهره وری، سامان یابی امور و در نتیجه، افزایش تولید و جلوگیری از فساد در اقتصاد کشور می گردد» (ایروانی، ۱۳۸۴، ص ۹۳).

از این رو امیر مومنان (علیه السلام) خطاب به فرزندش امام حسن (علیه السلام) و در واقع به همه ی مدیران و کارفرمایان می فرماید:

«اجعل لكل إنسان من خدمتك عملاً تاخذه به، فإنه أحرى ان لايتواكلوا في خدمتك؛

هریک از خدمتکارانت را به کاری عهده دار کن و از او بازخواست نما تا هیچ یک کار خود را به عهده دیگری نگذارد» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

بر اساس آیات و روایات یاد شده و مانند آن، انضباط کاری آثار مثبتی در زمینه های گوناگون دارد که عبارت است از:

«۱- بهره‌گیری درست از فرصت‌ها و توانمندی‌ها در پرتو صحیح کار و سپردن آن به دست متخصصان.

۲- رعایت سلامت جسمی و نشاط روحی و در نتیجه بالارفتن بازده و کیفیت کار.

۳- اختصاص بخشی از فرصت‌ها برای رسیدگی به امور معنوی، عبادت و پیوندهای اجتماعی.

۴- حفظ حقوق مراجعه‌کنندگان و صاحبان کار و پرهیز از تأخیر زمانی، با اتمام کار در زمان

مقرر.

۵- پیشگیری از زمینه‌های بروز پاره‌ای از ناشایست‌های اقتصادی ناشی از افراط و تفریط در

کار.

۶- کاهش مسامحه کاری، و اتلاف فرصت‌های مفید و نپرداختن به کارهای شخصی و جانبی در

ساعات کار (ایروانی، ۱۳۸۴، ص ۹۶)».

سرمایه‌گذاری در نظام اقتصاد اسلامی

یکی از شرایط مهم و اساسی برای تولید، و زمینه‌ساز اصلی آن، سرمایه‌گذاری است که در

اصطلاح، فراگردی است که در آن، کالاهای سرمایه‌ای برای تولید کالاها یا خدمات دیگر به کار می

رود. (تفضلی، ۱۳۶۶، ص ۱۵۲).

قرآن کریم آباد کردن زمین را به صورت مسئولیت بر عهده‌ی انسان قرار داده است. (هود، ۶۱)

و تردیدی نیست که پیش شرط این مسئولیت یک سری سرمایه‌گذاری‌های لازم است.

همچنین در سوره انفال آمده است که مسلمانان باید نهایت توان خود را در برابر دشمنان اسلام

آماده سازند تا آنان همواره از امت اسلامی ترس و هراس داشته باشند. (انفال، ۶۰).

در آیه مورد استناد، هرچند مصداقی از آمادگی نظامی زمان نزول آیه ذکر شده (اسبان ورزیده)، با

توجه با اتلاقی که دارد، تقویت و تجهیز مسلمانان در همه‌ی زمینه‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی و

فرهنگی را شامل می شود؛ بنابراین، آمادگی و توانمندی در مقابل دشمن، به آمادگی نظامی منحصر نیست؛ در نتیجه آیه ی شریفه، به خوبی بر ضرورت سرمایه گذاری در جهت اقتدار کشورهای اسلامی دلالت دارد؛ زیرا آمادگی برای مقابله با دشمن به گونه ای که چشم طمع به سرزمین اسلامی و ثروت های آن را نداشته باشند، فقط به تجهیزات نظامی نیست بلکه مهیا کردن جامعه برای جنگ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را نیز شامل می شود. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۲۲۱).

در روایات فراوانی درباره ی نکوهش راکد گذاشتن مال و ثروت یا تشویق مردم به سرمایه گذاری از پیشوایان معصوم وارد شده است:

امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

«میان چیزهایی که فرد بعد خود به جای می گذارد، بدتر از همه اموال راکد اوست.

راوی پرسید: پس با آن چه کند؟

امام فرمود: آن را ردساختن بنایی یا باغ و بستانی یا خانه ای سرمایه گذاری کند». (حرعاملی،

۱۴۰۱، ج ۱۲، ص ۴۴).

امیرالمؤمنان حضرت علی (علیه السلام) در روایتی می فرماید:

«من وجد ماء و ترابا ثم افتقر فابعده الله؛

کسی که آب و خاک در اختیار داشته باشد، ولی فقیر بماند، خداوند او را از رحمت خود دور

ساخته است» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۱۰۳، ص ۶۵).

این روایت به روشنی به ضرورت سرمایه گذاری در امور کشاورزی و استفاده از منابع آب و

خاک را در جهت رفع نیازهای فردی و اجتماعی یادآور شده است.

در روایتی از امام کاظم (علیه السلام) برای سلب حق از کسی که زمین را رها کرده، تعیین مدت

شده و آمده است:

«همانا زمین از آن خدای متعال است و آن را وقف بر بندگانش قرار داده است؛ پس هرکس زمینی را سه سال پیاپی بدون داشتن عذری رها کند، از او گرفته می شود و به دیگری واگذار می شود». (حرعاملی، ۱۴۰۱، ج ۱۷، ص ۳۲۸).

درباره ی مطلوبیت سرمایه گذاری و به کار انداختن سرمایه های راکد، برای تأمین منافع جامعه، در زندگی امام صادق (علیه السلام) آمده است:

یکی از شیعیان (محمد بن غلاف به نقل از پدرش) می گوید: روزی امام صادق (علیه السلام) هفتصد دینار به من داد و فرمود: ای غلاف. این دنیا را به کار بینداز (سرمایه گذاری کن)؛ سپس فرمود: من این کار را به جهت حرص و طمع در جمع مال انجام نمی دهم، اما دوست دارم خداوند ببیند که من مال را راکد نمی گذارم و در معرض و استفاده و سود بردن قرار داده ام. غلاف نقل کرد که صد دینار از طریق آن سرمایه سود بردم و از امام پرسیدم آن را چه کنم؟ حضرت فرمود: آن ها را ضمیمه ی اصل سرمایه ام کن. (همان، ج ۱۲، ص ۲۶).

یعنی دوباره سرمایه گذاری کن. با توجه به اینکه یکی از متغیرهای مهم درباره ی سرمایه گذاری این است که آیا سرمایه گذار، بخش خصوصی باشد یا دولتی و این امر در میزان بازده، زمان بهره برداری و میزان استهلاک سرمایه تأثیر بسزایی دارد و همچنین سرمایه گذاری در بخش خصوصی یکی از راه های مبارزه با قاچاق کالا در نظام اقتصادی می باشد، مناسب است این مطلب با توجه به آموزه های اسلامی بررسی شود.

سرمایه گذاری بخش خصوصی در نظام اقتصادی اسلام

«از آنجا که به طور معمول، واگذاری کارهای اقتصادی به مردم باعث کاهش هزینه های تولید و افزایش کارایی و بهره وری می شود، سرمایه گذاری نیز از این امر مستثنی نیست و جز در مواردی که به سبب نیاز به سرمایه ی فراوان از توان بخش خصوصی خارج است یا ملاحظات امنیتی و رعایت

منافع ملی ضرورت سرمایه گذاری بخش مسقیم دولت را ایجاب می کند، در سایر موارد، دولت اسلامی باید نقش نظارتی داشته باشد و سرمایه های بخش خصوصی را به سمت تامین نیازهای جامعه و ایجاد اشتغال موکد هدایت کند و با حمایت های قانونی و عملی موانع را رفع، و روند سرمایه گذاری را تسهیل کند» (خلیلیان، ۱۳۸۴، ص ۱۱۷).

امیر مومنان حضرت علی (علیه السلام) در عهدنامه ی خود به مالک اشتر، آثار کاهش مالیات ها و نقش آن را در افزایش سرمایه گذاری را یادآوری شده است:

«آن مقداری که بار آنان را سبک کنی (= کمتر از آنان حراج و مالیات بگیری) به تو سخت و گران نباشد، چرا که آن مقدار، اندوخته ای باشد که به تو بازگردانند، شهرهای را آباد کنند و آراستگی در قلمرو حکومتت پدید آورند». (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۷، ص ۷۱).

«کلام امام (علیه السلام) را اینجا می توان سیاست مهم توسعه ی اقتصادی در جهت تشویق بخش خصوصی به سرمایه گذاری دانست؛ زیرا از سخن حضرت می توان استفاده کرد که اموال جمع آوری شده به وسیله دولت، اغلب هزینه و مصرف خواهد شد، اما تخفیف های مالیاتی که به صورت پس انداز برای افراد می ماند، به طور معمول صرف سرمایه گذاری و باعث می شود که درصد بسیاری از درآمد ملی به سمت رشد تولید و حرکت در مسیر توسعه هدایت شود.

امام (علیه السلام) ترجیح می دهد وظیفه ی ذخیره سازی (پس انداز) که در واقع رکن و پایه سرمایه گذاری است، به افراد (بخش خصوصی) واگذار شود. اکثر صاحب نظران امور اقتصادی نیز معتقدند که آن ها بهتر می توانند این ذخیره ها را به سمت سرمایه گذارهای سودآور و موکد هدایت کنند و بهتر از مدیران بخش دولتی در جهت توسعه و افزایش ثروت خود می کوشند، البته سخن امام (علیه السلام) به این معنا نیست که حضرت طرفدار عدم جمع آوری مالیات از مردم است، بلکه فرمان امام مبتنی بر کاهش مالیات، در وضعیت سخت تولید (مثل خشکسالی برای کشاورزان) است.

به طور کلی، به اندازه ای باید مالیات گرفته شود که برای اداره ی امور کشور لازم، و مازاد بر نیاز مردم باشد و آنان را از تولید و سرمایه گذاری باز ندارد». (خلیلیان، ۱۳۸۴، ص ۱۱۸).

با نگاهی اجمالی به کارهای فردی و اجتماعی مربوط به انسان می بینیم که پاره ای از امور از شؤون تشریح و قانونگذاری است، این مهم منحصرأ به اراده و حکم الهی و تفسیر و تبیین پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و السلم) و امامان (علیه السلام) توقف دارد، آیه ۳۶ سوره احزاب به این قسم ناظر است.

برخی دیگر از امور به حاکمیت و دولت اسلامی مربوط می شود، در نتیجه از شأن حکومت و ولایت امر است. برای مثال، از لابه لای تاریخ و سیره ی عملی پیامبر اکرم (علیه السلام) و امام علی (علیه السلام) استفاده می شود که آن بزرگواران در جایگاه حاکم اسلامی در مواردی که باعث ضرر و زیان بر مسلمانان، تعدی به حقوق دیگران، اشاعه ی فساد و تباهی، عرصه ی کالای ممنوع و ایجاد قحطی و بازار سیاه می شد، دخالت و فساد را از شیعه قطع می کردند، اما غیر دو قسم مذکور، همه از امور زندگی و معاش و آداب انسان هاست که به خود مردم مربوط می شود و پیشوایان معصوم نیز آن ها را به آنان واگذاشت (اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۲۳۱ و ۲۳۲).

بسیاری از احکام و مقررات اقتصادی و حقوقی اسلام نیز بستر مناسبی برای فعالیت و مشارکت بخش خصوصی فراهم می سازد و از آن جا که نتیجه و ثمره فعالیت مفید اقتصادی، برای تلاشگر در این زمینه قرار داده شده، بخش مذکور به مشارکت بیشتر دلگرم می شود. در زمینه ی تشویق سرمایه گذاری بخش خصوصی می بینیم، با اینکه اراضی موات و معادل از آن انفعال است که جزو بخش عمومی و متعلق به حاکم و دولت اسلامی است.

سیاست اصولی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و السلم) و امامان (علیه السلام) بر این بوده که احیای زمین های موات و بهره بردای از معادن به مردم واگذار شود و تصدی امور مذکور در انحصار

بخش عمومی قرار نگیرد، بنابراین اصل اولین بر واگذاری کامل به بخش خصوصی و نظارت حاکم اسلامی بر امور مربوط بوده است، از این رو پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و السلم) در این زمینه می فرمایند:

«من غرس شجراً او حفر وادياً بدياً لم يسبقه اليه احد او احبى ارضاً ميتةً فهى له قضاء من الله عزّ و جلّ و رسوله؛

کسی که درختی را بکارد یا نهر جدیدی احداث کند که پیش از او کسی حفر نکرده یا زمین مواتی را آباد سازد به حکم خدا و رسولش برای اوست». (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱۷، ص ۱۵۱).
در پایان این بحث مناسب است کلامی از امام خمینی (ره) در این زمینه نقل شود. امام بر نقش نظارتی دولت و واگذاری کارها به بخش خصوصی تاکید داشت. در وصیت نامه ی ایشان در این باره آمده است:

«وصیت من به مجلس و شورای نگهبان و دولت و رئیس جمهور و شورای قضایی آن است که ... به مالکیت و سرمایه های مشروع احترام گذارید و به ملت اطمینان دهید تا سرمایه ها و فعالیت های سازنده به کار افتند و دولت و کشور را به خودکفایی و صنایع سبک و سنگین برسانند». (موسوی خمینی، ۱۳۶۹، ج ۲۱، ص ۲۰۱).

توزیع عادلانه درآمدها و برابری های اجتماعی

در بحث عوامل اقتصادی قاچاق بیان نمودیم که:

یکی از عوامل اقتصادی روی آوردن به قاچاق، در جامعه، توزیع ناعادلانه دستمزدها و نابرابری های اجتماعی و دستمزدهای ناچیز می باشد.

در آموزه های دینی، ستم و ستم پذیری سخت نکوهش شده (آل عمران، ۵۷ و ۸۶؛ انعام، ۴۵؛ اعراف، ۱۵؛ انفال، ۲۵؛ یونس، ۱۳ و ۵۲) و از آن به عنوان اساس تمام رذیلتها یاد گردیده است. (آمدی،

۱۳۶۶، ص ۴۵۵). در این میان ستم به کارگران و استثمار آنان از آلوده ترین گناهانی است (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۲۳۷) که نشان از پستی و پلیدی روح استثمار کننده دارد.

آموزه های اسلامی در این باره، بر پایه ی دو اصل «نفی استثمار» و «نفی استثمارپذیری» استوار است. (بقره، ۲۷۹).

در مورد نخست، قرآن کریم، با بیانی جامع، از هرگونه بهره کشی ظالمانه از مردم نهی، فرموده است: آیه ۸۵ هود: وَلَا تَبْخَسُوا...

«بَخَس» در واژه به معنای نقص و کم گزاردن چیزی از سر ستم است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ص ۱۱۰). گستردگی مفهوم «اشیاء» که به صورت جمع مضاف آمده، تمام حقوق افراد، از جمله نیروی کار، تحفص، استعداد، کرامت، و شخصیت افراد را در بر می گیرد، چنان که مفسر بزرگ شیعه طبرسی می گوید: «أی: لا تنقصوهم حقوقهم؛ یعنی حقوق آنان را کم مگذارید» (طبرسی، ۱۴۰۶، ج ۳- ۴، ص ۶۸۸).

در روایات نیز با اینکه بر باورهای اعتقادی، بر این نکته تأکید می شود که افراد با خودسازی درونی و با نیروی ایمان، جامعه ای پیراسته از ستم و استثمار را سامان دهند.

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و السلم) می فرمایند:

«لیس منّا من غشّ مسلماً او ضرّه او ماکره؛ هرکس با نیرنگ به مسلمانی خیانت کند، یا به او زیان رساند یا با او زا در مکر و حیاء وارد شود، از ما نیست» (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۹).

نیز می فرمایند:

«من ظلم اجیراً اجراء احب الله؛ هر کس در پرداخت اجرت کارگر، ستم روا دارد، خداوند کار وی را نابود سازد، و بوی بهشت را بر وی حرام نماید، با این که رانحه ی آن، از مسافتی به درازای پانصد سال به مشام می رسد» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۲).

بدین سان، هرگونه بهره‌کشی ظالمانه از نیروی کار، همچون وادار نمودن به پذیرش کار یا دستمزد ناچیز، تحمیل زمان کار، فراتر از حد، ندادن فرصت استراحت و انجام فرامین دینی در هنگام کار، توجه کافی نداشتن به مسأله بیمه و مسکن و نادیده گرفتن کرامت و ارزش اجتماعی کسانی که به گونه‌ای کار می‌کنند، همگی از دیدگاه اسلام ممنوع، و خلاف ارزش‌های اخلاقی است. (حکیمی و دیگران، الحیاء، ۱۳۶۸، ج ۵، ص ۱۳۷۰).

برقراری عدالت و ایجاد توازن در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی از راهکارهای دین برای داشتن جامعه‌ای با اقتصاد سالم و به هرگونه فساد می‌باشد که در حال حاضر می‌توان ایجاد چنین عدالتی را در زمینه‌ی درآمدهای افراد و برابری در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، زمینه‌ای برای مبارزه با قاچاق کالا در نظر گرفت. چرا که وقتی در یک جامعه توزیع درآمدها ناعادلانه انجام گیرد، به دنبال آن فساد نیز وارد خواهد شد.

«اگر وضع عمومی اقتصاد و اوضاع اجتماعی به گونه‌ای باشد که فرصت‌های برابر برای کار و تلاش همه‌ی افراد فراهم آید و به هر کس مطابق با قوانین و مقررات الهی و تلاش و استحقاقش داده شود و برای کسانی که فرصت مذکور فراهم نشده یا توان کار و مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی را ندارند، نیازهای حیاتی و اساسی، مطابق با شان و منزلت انسانی و شخصیت اجتماعی‌شان، تامین شود، این وضعیت حالی از وجود حدّ نصابی از عدالت اقتصادی - اجتماعی در جامعه است» (خلیلیان، ۱۳۸۴، ص ۱۷۷).

نظام اقتصادی اسلام، تحقق عدالت در عرصه‌ی اقتصاد را از دو طریق دنبال می‌کند:

از یک سو به همه‌ی افراد جامعه حق می‌دهد که زندگی متعارف و آبرومندانه داشته باشند و از سوی دیگر با اتخاذ روش‌ها و اجرای مقرراتی چون ایجاد اشتغال، تامین اجتماعی محرومان و

مستمندان، به دنبال متوازن کردن ثروت ها و درآمدها است و در نقطه ی مقابل هر نوع فقر و محرومیت و تمثید فاصله طبقاتی را نتیجه عدم تحقق عدالت می داند (موسویان، ۱۳۷۸، ص ۱۴۸).

امام علی (علیه السلام) در این باره می فرمایند:

«هیچ فقیری گرسنه نماند، مگر به واسطه ی کامیابی توانگران و فرد داری از پرداخت حقوق

واجب اموال خود» (نهج البلاغه، ص ۷۰۸).

بنابراین دست یافتن به عدالت اقتصادی بدون داشتن نظام توزیع مناسبی که منابع ثروت و درآمد را عادلانه توزیع کند، ممکن نیست؛ زیرا همگان باید از فرصت های برابر و حداقل نیازهای اساسی معیشت بهره مند باشند.

در بسیاری از موارد، تحقق ابداء عدالت در جامعه به دخالت دولت در امور اقتصادی منوط است. بر این اساس، نظام اقتصاد اسلام برای دولت اختیارات گسترده ای قایل است. یکی از بهترین ادله بر صلاحیت دولت اسلامی بر دخالت در امور اقتصادی اطلاق آیه ی شریفه :

«یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم...» (نساء، ۵۴).

توازن اجتماعی - اقتصادی نیز یکی از راه های ایجاد عدالت در سطح اقتصاد جامعه می باشد،

توازن اجتماعی، توازن افراد جامعه از نظر سطح زندگی است. (صدر، ۱۳۷۵، ص ۶۷۳).

«مقصود از سطح زندگی این است که به اندازه ای ثروت و امکانات در دسترس افراد باشد که

بتواند متناسب با وضع زمانی از رفاه نسبی بهره مند باشند. وضعیت مذکور، اقتصاد جامعه را در حالی

متوازن قرار داده، از پدید آمدن اختلاف شدید طبقاتی جلوگیری می کند. توازن اجتماعی - اقتصادی

هدفی مهم و اساسی است که دولت اسلامی باید با استفاده از شیوه های فرهنگی و حقوقی برای

دستیابی به آن اقدام کند» (خلیلیان، ۱۳۸۴، ص ۱۸۰).

گاهی فقط وضع مالیات های ثابت برای رسیدن به توازن مورد نظر کافی نیست، در این صورت، دولت وظیفه دارد با دخالت مستقیم در فعالیت های اقتصادی، فراهم آوردن امکانات لازم و اتخاذ تدابیر مناسب خود رأساً اقدام کند.

طبیعی است که فعالیت های مذکور، منابع مالی جدیدی، افزون بر مالیات های ثابتی چون زکات را می طلبد، از این رو، برای این گونه امور، منابع مالی دیگری در اختیار دولت و حاکم اسلامی قرار داده شده است، به طور نمونه وضع مالیات بر صاحبان اسب در زمان حضرت علی (علیه السلام) را می توان برای تامین بخشی از هزینه های دولت اسلامی قلمداد کرد. (جامع احادیث شیعه، ج ۸، ص ۱۵۳).

امام کاظم (علیه السلام) در این زمینه می فرماید:

«کارگزار حکومت اسلامی، مالی که خداوند در اختیار او قرار داده است، در هشت سهم برای فقیران و مسکینان و ... به اندازه ی نیاز سالیانه شان تقسیم می کند؛ به گونه ای که در سختی و تنگنا نباشند و مازاد به آن حاکم اسلامی بر می گردد؛ اما اگر درآمدهای زکات برای تامین هزینه ها کفایت نکرد، حاکم اسلامی باید از ثروت ها و اموالی که در اختیار دارد، به میزان رفع نیاز فقیران و محرومان جامعه، در اختیار آنان قرار دهد» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۵۴).

از اطلاق عبارت «مِن عِنْدِهِ» در این روایت استفاده می شود که افزون بر زکات، بقیه ثروت های بیت المال را نیز می توان برای ایجاد توازن مورد استفاده قرار داد. (صدر، ۱۳۷۵، ص ۶۸۰ و ۶۸۱).

مانند فِی، یعنی ثروت هایی که مسلمانان بدون جنگ از کافران به دست آورده و غنیمت گرفته اند که در اختیار پیامبر، امام یا ولی امر در جایگاه رئیس دولت اسلامی قرار می گیرد و همچنین معاون که در اختیار حکومت اسلامی است.

با برقراری توازن در بخش های ذیل می توان نظام اقتصادی جامعه را متوازن قلمداد کرد و به توزیع عادلانه ی درآمد و ثروت دست یافت.

۱- توازن در توزیع و تقسیم کار میان عموم افراد جامعه (برابری در فرصت های اشتغال)

۲- توازن در مقدار و میزان کار، در مقایسه با توان جسمی و روحی افراد

۳- توازن در میزان ثروت و سرمایه برای افراد و سایر تسهیلات دیگر هنگام شروع به کار، اگر

چه بعد به سبب تفاوت در استعدادا و میزان تلاش آنان، مقدار ثروت افراد و سرمایه آنان متفاوت شود.

۴- توازن در بهره مندی مردم از ثروت های عمومی (افعال).

۵- توازن در نظام تولید جامعه.

۶- توازن در مصرف (تقارب سطوح مصرف جامعه).

۷- توازن در عرضه و تقاضا (به طوریکه به برقراری نرخ های عادلانه برای تولید کنندگان و

مصرف کنندگان بینجامد). (خلیلیان، ۱۳۸۴، ص ۱۸۲).

۸- توازن در بخش های گوناگون اقتصادی (حکیمی، ۱۳۷۰، ص ۲۸۰ و ۲۸۱).

به طور کلی، مقررات مالی اسلام چون زکات، صدقات و کفّارات، و انواع وقف نقش بسیاری در

پدید آمدن جامعه ای متوازن از نظر اقتصادی دارند؛ زیرا حکمت تشریح آن ها رسیدن به جامعه ای

متعادل از نظر مادی و معنوی است که در آن توازن و عدالت اقتصادی و اجتماعی تحقق یافته

است. (مدرس، ۱۳۶۷، ص ۱۸۹-۲۲۰).

پرهیز از تجمل گرایی و اشرافی گری

یکی از عوامل فرهنگی که باعث ایجاد قاچاق کالاهای لوکس و تجملاتی می گردد، روی آوردن

مردم یک جامعه به تجمل گرایی و اشرافی گری می باشد. بنابراین داشتن یک الگوی درست مصرف

در بین افراد یک جامعه، تا حد زیادی مانع بروز چنین رویدادی می گردد.

«مصرف در جامعه، نقشی مهم در تعیین نوع، میزان و شکل تولید و توزیع دارد و از طرف دیگر، هدف نهایی برای تولید و توزیع است، نوع مصرف و میزان آن در جامعه نیز به چگونگی تحصیل منابع برای تولید و نحوه ی توزیع بستگی دارد. امروزه بنگاه های تولید بر اساس سیاست های مصرفی و تبلیغات به فعالیت می پردازند؛ زیرا ایجاد انگیزه برای مصرف بیشتر، یکی از راه های مهم رونق بخشیدن به تولید و افزایش درآمد است.» (خلیلیان، ۱۳۸۴، ص ۱۹۱).

در سطح کلان، همان طور که مصرف همراه با اسراف و تبذیر، باعث از بین رفتن منابع لازم برای سرمایه گذاری و کاهش تولیدات ملی می شود، جهت دهی درست به مصارف جامعه به منظور فراهم آوردن زمینه ی پس انداز و سرمایه گذاری، رشد و شکوفایی اقتصادی را به دنبال دارد. (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱، ص ۳۸۵).

با بررسی معیشت عموم و عرف عقلا، نیازهای انسان و به دنبال آن مصارف او را به سه دسته حیاتی، رفاهی و نیازهای کاذب و خیالی تقسیم کرد. دسته اول آن هایی است که حیات و سلامت انسان به تأمین آن بستگی دارد. مانند نیاز به غذا، پوشاک و مسکن، آموزش و بهداشت در حدی که زندگی انسان همراه با سلامت تداوم یابد.

امور رفاهی، مصارفی است که موانع و مشکلات را رفع، و زندگی انسان را با نشاط و دلپذیری می سازد. این ها را می توان نیازها و مصارف واقعی انسان دانست؛ ولی دسته سوم نیازهای غیر واقعی و تخیلی است و گرچه آراستگی و زیبایی بیشتری به زندگی می دهد، افراط در آن ها اقتصاد جامعه را در دفع نیازهای اساسی دچار مشکل ساخته، باعث فقر و محرومیت برخی از خانواده ها می شود.

پرداختن به تزئینات افراطی در منزل، تعویض دکوراسیون ها و کنار گذاشتن لباس و وسایل منزل قبل از استفاده کامل از آنها و روی آوردن به مدل های جدید از این قبیل است.

نتیجه آنکه نیازهای واقعی را می توان نیازهای معقول و مضافی که بر آن انجام می شود، لازم یا مطلوب قلمداد کرد؛ اما تلاش برای دستیابی به مضاف تجملی، همراه با رفاه زدگی و مصرف گرایی افراطی، ناپسند است و بدون اجتناب از مضاف غیر ضرور و تجملی، آرامش روحی و روانی که شرط اصلی تحقق رفاه است، پدید می آید.

در آموزه های دینی مبانی راهبردی برای اتخاذ الگوی صحیح مصرف ارائه شده که رعایت این مورد در رسیدن افراد یک جامعه برای داشتن الگویی صحیح در مصرف کمک می کند.

مناسب است قبل از بیان این مبانی، نکاتی برای رسیدن به الگوی درست و منطقی مطرح گردد:

۱- اگر افراد کشوری از نظر فکری و فرهنگی در وضعیتی باشند که همواره به سمت مصرف بیشتر گرایش داشته و سوق داده شوند، بخش اعظم منابع درآمد جامعه به مصرف اختصاص می یابد و بدیهی است که در چنین وضعیتی، از سطح پس انداز کل کاسته می شود و زمینه لازم برای سرمایه گذاری فراهم نمی آید. این مسأله در دوره ی بعد، کاهش تولید و فقر اقتصادی را به دنبال دارد. و فقر اقتصادی نیز باعث فقر فرهنگی و انحطاط اجتماعی می شود (خلیلیان، ۱۳۸۴، ص ۲۰۷).

۲- از آنجا که همه جوامع با محدودیت و کمیابی نسبی منابع و عوامل تولید مواجه هستند، الگوی مصرف حاکم بر جامعه می تواند به تخصیص بهینه ی منابع و نحوه ی به کارگیری عوامل تولید کمک کند. به طوری که با اولویت بندی و تشخیص میزان اهمیت هریک از نیازها، زمینه لازم برای استفاده منطقی از امکانات فراهم آید و تأمین نیازهای ضرور و حیاتی جامعه با مشکل مواجه نشود.

بنابراین، با توجه به امکانات و توانمندی های کشوری در هر مقطع زمانی با محدودیت هایی مواجه، و میزان نیازها به سبب رشد جمعیت همواره در حال افزایش است. چنین وضعیتی لزوماً افزایش تولید را می طلبد؛ زیرا در غیر این صورت کالاها و خدمات محدود بین جمعیتی بسیار تقسیم

می شود که نتیجه ای جز افزایش فقر و محرومیت را به دنبال دارد و مشخص است که برای تولید بیشتر، وجود منابع برای سرمایه گذاری یکی از شرایط ضرور است و این مهم فقط در سایه داشتن الگوی درست مصرف و استفاده بهینه از منابع درآمد و ثروت جامعه تحقق می یابد. (همان، ص ۲۰۸).

۱- اعتدال در مصرف

آیاتی از قرآن کریم به اعتدال و میانه روی تاکید دارد که از اطلاق و کلیت آن ها برای مصرف نیز می توان استفاده کرد (فرقان، ۶۷)

در روایتی از امام محمد باقر (علیه السلام) میانه روی، در حالت بی نیازی و نیازمندی یکی از عوامل نجات انسان شمرده شده است (صدوق، خصال، ص ۸۴).

حضرت علی (علیه السلام) در این باره می فرمایند:

«هنگامی که خداوند خیر و نیکی را برای بنده ای مقرر فرماید: اقتصاد و میانه روی در زندگی را

به او الهام خواهد کرد» (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۱۷۵).

بنابراین اگر متوسط درآمد خانوار را در جامعه اسلامی در نظر بگیریم، حد نصاب درآمد، کمتر از

مقدار متوسط و حد کفاف، بیشتر از آن است، زیرا حد نصاب درآمد، اندازه ای است که در نیازهای

اولیه خانواده از نظر خوراک، پوشاک، مسکن، تحصیل، درمان و غیره تامین شود و حداقل مصرف را

برای شخص فراهم سازد، به این معنا که داشتن درآمد یا مصرف کمتر از آن فقر و نیاز تلقی شود و

کمک از بیت المال برای رفع آن را ایجاب کند، اما درآمد و مصرف در حد کفاف هنگامی است که

مصارف زیاد یاد شده، از حد متوسط جامعه بیشتر شده، و امکانات مصرفی فرد به درجه ای رسیده

باشد که مصرف بیشتر از آن، زیاده روی تلقی شود (صدر، بی تا، ص ۲۱۹).

۲- ترجیح منافع ملی و حساسیت به آن

«برای اتخاذ الگوی درست مصرف، همزمان باید در دو سطح فردی و اجتماعی کوشید، از جهت اول باید ویژگی های الگوی مناسب مصرف و لزوم رعایت اولویت ها در هزینه ی زندگی را به افراد جامعه، بویژه سرپرستان خانواده ها آموخت تا با افزایش دانش و بینش عمومی به طور خودکار و داوطلبانه برای تدبیر درست معیشت خود و پذیرش یک سری محدودیت ها و ریاضت ها اقدام کنند. از طرف دیگر، مدیریت هزینه های خانواده باید منافع ملی را در الگوی مصرف خود مد نظر قرار دهد و منافع فردی و خانوادگی خود را در چارچوب منافع بلند مدت جامعه بجوید. به عبارت دیگر، در رفتار مصرفی خود به گونه ای عمل کند که با حرکت رو به رشد اقتصاد ملی، برای رسیدن به توسعه ای مستقل و خود اتکا، هماهنگ باشد» (خلیلیان، ۱۳۸۴، ص ۲۲۶).

جهت منافع ملی، چهار گروه باید با یکدیگر همکاری و قبل از آن توافق فکر داشته باشند:

۱- مصرف کنندگان: آن ها می توانند با انتخاب کالاهای تولید داخلی باعث تقویت و رونق اقتصاد ملی شوند، و در نتیجه با افزایش تولید و مصرف کالاهای ساخت داخل و پیدایش زمینه اشتغال بیشتر در حل مشکل بیکاری موثر باشند. فرهنگ عمومی مردم و باورهای ارزشی آن ها در رفتار مذکور نقش بسزایی دارد.

۲- تولید کنندگان: این گروه می تواند با افزایش کیفیت کالاهای تولیدی و استفاده بهینه از عوامل تولید، سود بلند مدت خود را در تأمین منافع ملی و جلب نظر و اعتماد مصرف کنندگان داخلی بجوید. (همان، ص ۲۲۶).

هر تولید کننده ی مسلمان باید بداند که رعایت اتقان و استواری در کارها و عرصه ی محصول با کیفیت مطلوب، نه تنها بیانگر تعهد فرد به مسئولیت اجتماعی مهم است، بلکه ادای وظیفه دینی است که اسلام آن را تاکید می کند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و السلم) در این باره می فرمایند:

«خداوند دوست دارد بنده اش چون کاری انجام دهد، آن را محکم و استوار کند». (حر عاملی، ج ۲، ص ۸۸۴).

در سخنی دیگر فرمود:

«خداوند متعال دوست دارد هر عمل کننده ای که کار خود را به خوبی انجام دهد». (هندی، ج ۳، ص ۹۰۷).

۳- بازرگانان و تاجران: این گروه در تشویق تولید کنندگان برای تأمین منافع ملی یعنی رسیدن به استقلال همراه با اقتدار اقتصادی نقش مؤثری دارند، همان طور که می توانند فقط به فکر سود شخصی خود بوده، خرید و فروش کالاهای خارجی و تبلیغ آن را سرلوحه ی برنامه ی خود قرار داده و منافع ملی را نادیده بگیرند.

۴- دولت: دولت در زمینه ی حمایت از تولیدکنندگان داخلی و جهت دهی آنان به سوی تأمین نیازهای اساسی جامعه و کنترل کیفیت کالاها نقش بسزایی دارد، زیرا با وضع قوانین و مقررات و اجرای آن ها می تواند واردات کالای خاصی را از خارج ممنوع یا محدود سازد و به این وسیله، تولید کننده ی نو پای داخلی را در مقابل رقابت نابرابر تولید کنندگان قدرتمند و با سابقه ی خارجی، حمایت کند.

از طرف دیگر، دولت به منظور هدایت سرمایه ها برای تولید کالاهای مورد نظر خود می تواند سیاست های پولی و مالی مناسبی را اتخاذ کند و با ابزار مناسب و قدرت اجرایی بالایی که دارد قادر است، مسیر کل اقتصاد را از نظر تولید، توزیع و مصرف تا حد بسیاری تعیین کند.

افزون بر این شیوه ی زندگی مسئولان دولتی و مقام های عالی رتبه کشوری نیز می تواند از نظر فرهنگی و اجتماعی در شکل گیری الگوی مصرفی مردم تأثیر بسیاری داشته باشد.

از طرف دیگر، واردات بی رویه ی برخی از محصولات و کالاهای خارجی مانند اتومبیل ها و وسایل الکترونیکی غیر ضرور و قاچاق صدها نوع کالای لوکس و تجملی و یا مضرّ و مخربّ به داخل کشور در سال های اخیر نشان دهنده ی تأثیر الگوی مصرف برون زا (نه درون زا و متکی به امکانات داخلی) در ذهن بسیاری از افراد جامعه به ویژه آن ها است که خود می باید درون زا بیندیشند(رزاقی، ۱۳۷۰، ص ۲۹).

نتیجه گیری:

با توجه به مطالب بیان شده می توان رهنمودهای دین در مبارزه با قاچاق کالا و ارز را به صورت

فهرست وار این گونه بیان کرد:

۱. داشتن اخلاق کار
۲. تشویق به سرمایه گذاری اسلامی و بالا بردن کیفیت تولیدات داخلی
۳. سرمایه گذاری در بخش خصوصی
۴. ترجیح دادن منافع ملی بر منافع فردی
۵. اشتغال زایی و استفاده درست از امکانات
۶. نظم و انضباط و مدیریت زمان
۷. پرهیز از مصرف گرایی و تجمل و رسیدن به یک الگوی صحیح مصرف
۸. برقراری عدالت اقتصادی و توزیع عادلانه ی درآمدها

فهرست منابع:

*قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. ابن ابی الحدید، (۱۴۰۴)، شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیه الله مرعشی.
۲. اسلامی، ابوالفضل، (۱۳۷۴)، اقتصاد فطری، دفتر انتشارات اسلامی.
۳. ایروانی، جواد، (۱۳۸۴)، اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن حدیث، چاپ اول، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۴. بروجردی، حسین، بی تا، جامع احادیث شیعه، ج ۶، قم، مدینه العلم.
۵. بهرامی، محسن، قاسمی، بهروز، (۱۳۸۵)، آسیب شناسی قاچاق کالا در ایران، تهران، فارابی.
۶. بنایی، رضا، (۱۳۸۱)، "اثر قوانین و مقررات بازرگانی و گمرکی بر قاچاق کالا"، پژوهش نامه بازرگانی، شماره ۲۲.
۷. توسلی، غلام عباس، (۱۳۶۶)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، چاپ دوم، تهران وزارت برنامه و بودجه.
۸. تفضلی، فریدون، (۱۳۶۶)، اقتصاد کلان، بی جا، نشرنی.
۹. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۶۶)، غررالحکم و درالکلم، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.
۱۰. تودارو، مایکل، (۱۳۶۶)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه ی غلامعلی فرجادی، چاپ دوم، تهران، وزارت برنامه و بودجه.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۴)، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش.

۱۲. جمعی از نویسندگان، (۱۳۶۵)، تفسیر نمونه، بیست و چهارم، دارالکتب الاسلامیه.
۱۳. حکیمی، محمد، (۱۳۷۰)، معیارهای اقتصادی در تعلیم رضوی، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.
۱۴. حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۱)، وسائل الشیعه، تهران، مکتب الاسلامیه.
۱۵. حکیمی، محمد رضا و دیگران، (۱۳۶۸ش)، الحیاه، چاپ اول، تهران، مکتب نشر الثقافه الاسلامیه.
۱۶. حرانی، حسن بن علی بن شعبه، (۱۳۹۸ق)، تحف العقول عن آل الرسول، ترجمه کمره ای، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
۱۷. خلیلیان، محمد جمال، (۱۳۸۴)، شاخص های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام، چاپ اول، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۸. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، (۱۳۷۱)، مبانی اقتصاد اسلامی، بی جا، سمت.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۶)، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، چاپ اول، دمشق، دارالقلم و بیروت، الدار الشامیه.
۲۰. رزاقی، ابراهیم، (۱۳۷۴)، الگوی مصرف و تهاجم فرهنگی، تهران، چاپخش.
۲۱. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، (۱۴۰۱)، الجامع الصغیر، چاپ اول، بیروت، دارالفکر.
۲۲. گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۳)، جامعه شناسی، ترجمه منوچهری صبوری، چاپ اول، تهران، نشر نی.
۲۳. صدر، سید محمد باقر، (۱۳۷۵)، اقتصادنا، قم، مکتب الاعلام لاسلامی.
۲۴. صدوق، محمد بن علی بن الحین بن بابویه، (۱۳۷۸ش)، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، تصحیح سید مهدی حسینی لاجوردی، چاپ اول، انتشارات جهان.

۲۵. _____، (۱۳۶۲)، الامالی، چاپ چهارم، انتشارات

کتابخانه اسلامی.

۲۶. _____، (۱۴۱۳)، من لایحضر الفقیه، چاپ سوم، قم، جامعه

مدرسین حوزه علمیه قم.

۲۷. صدر، سید کاظم، بی تا، نظام های اقتصادی صدر اسلام، بی جا، دانشگاه شهید بهشتی.

۲۸. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت

موسسه الاعلمی المطبوعات.

۲۹. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۳۶۵)، تهذیب الاحکام، ج ۱۷، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۳۰. طبرسی، حسن بن فضل، (۱۴۱۲)، مکارم الاخلاق، چاپ چهارم، قم، انتشارات شریف

رضی.

۳۱. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۰۶ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت،

دارالمعرفه.

۳۲. قره باغیان، مرتضی، (۱۳۷۶)، اقتصاد رشد و توسعه، چاپ چهارم، تهران، نشر نی.

۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۸ق)، کافی (اصول و فروع)، تهران، مکتبه الاسلامیه.

۳۴. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۹)، مجموعه آثار، چاپ اول، تهران، انتشارات صدرا.

۳۵. موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۳۶۹)، صحیفه نور، بی جا، سازمان مدارک فرهنگی

انقلاب اسلامی.

۳۶. مجلسی، محمدباقر، (۱۳۶۲)، بحار الانوار، چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۳۷. موسویان، سید عباس، (۱۳۷۸)، مجموع مقالات اولین همایش دو سالانه اقتصاد اسلامی،

بی جا، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.

۳۸. مدرس، سید محمد رضا، (۱۳۶۷)، زکات و خمس در اسلام، قم، موسسه در راه حق.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، (۱۳۷۳)، تفسیر نمونه، چاپ یازدهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴۰. مجتبوی نائینی، سید مهدی، (۱۳۷۲)، فرهنگ اصطلاحات کار و تأمین اجتماعی، چاپ اول، تهران، موسسه کار و تأمین اجتماعی.
۴۱. معین، محمد، ۱۳۷۱، فرهنگ فارسی، ج ۲، چاپ هشتم، تهران، امیرکبیر.
۴۲. معیدفر، سعید، (۱۳۷۷)، بررسی میزان اخلاق کار و عوامل فردی و اجتماعی موثر بر آن، چاپ اول، تهران، موسسه کار و تأمین اجتماعی.
۴۳. _____، (۱۳۸۰)، فرهنگ کار، چاپ اول، تهران، موسسه کار و تأمین اجتماعی.
۴۴. نوری، حسین، (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل، چاپ اول، قم، موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۴۵. نمازی، حسین، (۱۳۷۴)، نظام های اقتصادی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۴۶. هندی، علاء الدین علی متقی، بی تا، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تحقیق بکری حیانی، صفوه السقاء، بیروت، موسسه الرساله.